

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۱

عفریت استبداد، فرزندش را قربانی می کند

بر سر اختلافات در میان رهبری مذهبی و دولت احمدی نژاد تحلیلهای گوناگونی ارائه شده است، که به نظر حزب ما هیچ کدام از آنها در عین این که اشتباه نیست، راه گشا و قانع کننده نمی باشد. تنها جنبه ای از واقعیت را در موضوع پیچیده باندهای مافیائی قدرت سیاسی در ایران را بازتاب می دهد.

گفته می شود که رهبری برای روی کار آوردن عمال خویش، در ترکیب هیأت دولت، دخالت مستقیم می کند، و قوانین جمهوری اسلامی را به زیر پا می گذارد. وقتی وزیری از جانب رهبری مورد تأیید قرار گرفت و بر مقام خویش ابقاء شد، معنی این، آن است که نه رئیس جمهور و نه مجلس شورای اسلامی حق ندارند، این وزیر را برکنار کرده و با تصمیم رهبری از در جنگ در آیند. این تصمیم رهبری هم مجلس شورای اسلامی و هم شخص رئیس جمهور را به یک باره بیکاره نموده و از آنها سلب مسئولیت می کند. این همان وضعیت کوسه و ریش پهن زمان شاه است. شاه از هر گونه مسئولیتی میرا بود، ولی وی فرمانده بزرگ ارتشداران شده بود و عزل و نصب وزیران و انحلال مجلسین و... را بر عهده داشت.

این وضعیت در جمهوری اسلامی هم جدید نیست، از همان بدو آغاز کار جمهوری اسلامی وجود داشته است و تناقض میان جمهوریت و اسلامیت است. تناقض میان انتظار مردم از انقلاب و موانع و گُرسی که آخوندها بر پیکر انقلاب دوختند. آیا این توضیح برای درک منشأ اختلافات کافی است؟ به نظر ما کافی نیست، در عین این که ما خود، به وجود این تناقض غیر قابل انکار باور داریم و آنرا در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز می توانیم بیابیم. چرا این اختلاف را نمی توان ناشی از این تناقض دانست، زیرا هم مجلس و هم شخص ریاست جمهوری و هم کلیه وزراء با این کیفیت از همان روز نخست آشنا بودند و هستند. همه می دانند که ولی فقیه حرف آخر را می زند. احمدی نژاد با علم به این کیفیت ریاست جمهوری را پذیرفته و لذا نمی تواند از دست این دخالتها هر چند ناروا و توهین آمیز باشد، ابراز ناراحتی کند.

گفته می شود که سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای اعمال سیاست خصوصی سازیها در ایران، حذف رایانه ها، تدوین جدید قانون کار و... موجب نارضایتی عمومی گشته است. و برای پیشبرد سیاست بانک

جهانی و سازمان تجارت جهانی نیاز به این است که دستگاههای سرکوب در همه زمینه ها متمرکز شود، تا بتواند در مقابل اوج فزاینده نارضایتی ها مقاومت کرده و در عین حال خطر فشار خارجی و یا حتی تجاوز خارجی را دفع نماید. تلاش برای یکدست کردن و تمرکز حاکمیت که از تکررگرائی (نظام چند حزبی) و نفوذ محافل قدرت می کاهد، سرمنشأ این اختلافات است. به نظر ما این یکدستی و تمرکز قدرت در حاکمیت در دست ولی فقیه امکان پذیر است و تمام زمینه های مادی و ذهنی چنین اقدامی نیز از قبل مهیاست و تا حد بسیار زیادی نیز انجام شده است. ادامه این سیاست نباید موجب دغدغه خاطر رهبری و یا ریاست جمهوری شود. این سیاست توضیحگر اختلافات احمدی نژاد با خامنه ای نمی تواند باشد. گفته می شود شکست سیاست حذف یارانه ها، که نخست با شکل هدفمند کردن آن به میدان می آید و نقش صدقه را دارد، کشور را به وضعیت بحرانی رسانده است، این شکست خامنه ای را مجبور می کند، احمدی نژاد را برای حفظ نظام و انداختن بار مشکلات به گردن وی چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاست خارجی، قربانی کند. ولی فقیه نظر مردم را معطوف به گناهان و بی کفایتی احمدی نژاد و اطرافیانش می گرداند، تا فاجعه را کتمان کند. این سیاست خامنه ای ممکن است شتاب بخش روند سیاست حذف احمدی نژاد باشد، ولی نمی توان آنرا علت اساسی اختلافات میان آنها بیان کرد. چه هدفمند کردن یارانه ها نمی توانسته است بدون موافقت رهبری صورت گرفته باشد. در چند سال پیش نیز همین وضعیت در مورد افزایش بهای بنزین پیش آمد، که اعتراض مردم با سرکوب قوای دولتی روبرو شد و خامنه ای کاملاً در جریان آن بود.

گفته می شود که کسب قدرت در انتخابات مجلس آینده، عرصه اختلافات رئیس جمهور و ولی فقیه است. اضافه می شود که همدستان احمدی نژاد در دوران حکومت وی تمام مقامات کلیدی را برای تقلب در انتخابات در دست دارند و می توانند با تجربه ای که دارند، اکثریت آراء را به نفع خود در صندوقها بریزند. نخست اینکه می دانیم، صافی های گوناگونی برای نرسیدن یاران احمدی نژاد به مرحله نهایی انتخابات وجود دارد. شورای نگهبان و مراجع دیگر می توانند عناصر "مشکوک" را به راحتی حذف کرده، حکم بر عدم صلاحیت آنها بدهند. در شرایطی که علی رغم این موانع، مجلسی با عوامل پنهان احمدی نژاد بر سر کار آید، تصمیمات این مجلس بدون تأیید مقام رهبری تأثیر ندارد. این امر بر احمدی نژاد هم روشن است. پس نفس کسب اکثریت در مجلس شورای اسلامی نمی تواند، مبنای اختلاف باشد. سخن بر سر این است که چه اختلافات ماهوی میان باندهای موجود در قدرت وجود دارد، که کار را به دعوای بر سر تسلط بر مجلس شورای اسلامی می کشاند. نتیجه انتخابات معلول اختلاف دیگری است و نه علت آن.

گفته می شود که محاصره اقتصادی تأثیرات شوم خود را بر سرنوشت مردم ایران می گذارد و مقام رهبری تلاش می کند تا این تأثیرات منفی را به گردن سیاستهای نادرست احمدی نژاد بگذارد و وی را قربانی کند. مقاومت احمدی نژاد در مقابل بیت رهبری از این جهت است که می ترسد به سرنوشت خاتمی و موسوی و ... گرفتار آید. مدافعان این نظریه مدعی اند خامنه ای همیشه این سیاست را اعمال کرده است. وی خواسته های خویش را با دست دیگران انجام داده و وقتی به مقصود رسیده است آنها را حذف کرده است. حال نوبت حذف احمدی نژاد فرا رسیده است. وی مسؤول تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در دست پاسداران بوده، سانسور مطبوعات را وسیعاً اجراء کرده، به خرافات مذهبی دامن زده و... و حالا دوران مصرفش پایان یافته است. اگر این تئوری را بپذیریم باید منطقاً به این نتیجه برسیم که باند احمدی نژاد از این سیاست رهبری خبر نداشته و نمی دانسته است که به اشاره انگشت رهبری باید کنار برود. این سیاست خامنه ای بیان علت اختلاف نیست، زیرا همه جناحها در پی تقویت قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی هستند.

در مورد اصلاح طلبان تحلیل ما بر این بود که بخشی از روحانیت در اثر فشار از پائین، احساس خطر جدی برای بقاء جمهوری اسلامی می کند و می خواهد با روش جدیدی سلطه این رژیم را تداوم بخشد. آنها خواهان اصلاحات سطحی و کاهش فشارهای فرعی بر جامعه اند تا با تحقق حداقل خواستهای مردم که بیشتر جنبه حمایت از آزادیهای خصوصی را دارد بقاء جمهوری اسلامی حفظ شود. جناح مسلط حاکمیت از هر تغییری می هراسد و تلاش خویش را بر سرکوب گذاشته است. با این تحلیل منطقی و درست می توانستیم فعالیتهای هر دو سوء را پیش بینی و مواضع خویش را نسبت به آنها تنظیم کنیم. بی خودی نیست که بعد از منتظری پدر فکری این اصلاحات، خاتمی، رفسنجانی و موسوی و کروبی و بسیاری دیگر نیز به این نتیجه رسیدند. رفسنجانی این عالیجناب خاکستری که تکیه باید بیشتر بر جنبه جانی وی باشد، اخیراً به صراحت گفته است که ما به آزادی احزاب نیاز داریم، زیرا وظیفه ضربه گیری در جامعه را به عهده می گیرند. آزادی احزاب با نظارت جمهوری اسلامی امکان تحلیل بهتری را نیز به جمهوری اسلامی می دهد که بتواند بدانند در جامعه چه می گذرد. فعالیتهای درون جامعه را از عمق به سطح می آورد و واکنش متناسب و به موقع جمهوری اسلامی را به دنبال خواهد داشت. همین وضعی که در ممالک دموکراتیک اروپائی وجود دارد و انقلابی هم در آنها انجام نشده است.

می شود این تحلیله را ادامه داد و از نظر عده ای سخن گفت که مدعی اند احمدی نژاد و مشائی اسرائیلی اند و می خواهند با امریکا کنار آیند و رهبر دست آنها را خوانده است و این اختلافات ناشی از نزدیکی به امپریالیستهاست و...

ولی هر چه باشد، یک امر روشن است که همه نیروهای اپوزیسیون از خودی و غیر خودی بر سر آن توافق دارند: **اختلافات بیت رهبری و احمدی نژاد که در عرصه های گوناگون بروز می کند، ریشه اش در استبداد ولایت فقیه در ایران است.** فشار توده ها از پائین، تاثیر مبارزه توده ها در منطقه، فشار امپریالیستها و صهیونیستها و عوامل داخلی آنها در ایران، نقش رسانه های گروهی و شبکه های اجتماعی مثبت و منفی، تضاد میان زیر بنای سرمایه داری و روبنای عقب مانده که ترکیبی از سنتهای فئودالی- قبیله ای- ملوک الطوائفی و مذهبی و پس مانده قرون گذشته است، فساد و تباهی، باند بازی مافیائی، فقدان امنیت اجتماعی، بی قانونی، شکاف طبقاتی و تشدید فقر، تنویر افکار و جهانگرایی اندیشه ها در قبال فرار به عقب و رفتن به پستوها و تاریک اندیشی به نیت حفظ خود و... عواملی هستند که به اختلافات دامن می زنند و این تازه از نتایج سحر است. مرگ خامنه ای نزدیک است و دامنه اختلافات برای کسب رهبری و تأمین امنیت باندهای خودی تشدید می شود. مرگ خامنه ای یعنی تقویت نیروهای گریز از مرکز، زیرا با مرگ وی عمر "فرزندان انقلاب" نیز به پایان می رسد و باید نسل جدیدی از روحانیون اعتبار و اقتدار خویش را به میدان آورد و دیگران را مجذوب سلطه خود کند و برایشان احترام آفرین باشد. این نیروهای گریز از مرکزند که در فکر عاقبت اندیشی هستند و خودشان می فهمند که وضع به این نحو با دادن رشوه و هزینه کردن درآمد نفت، برای خرید اوباشان طبقاتی و هاله حفاظتی به دور خود، نمی تواند تا ابد ادامه یابد. آنها در کشور و در مقابل ملتی که چندین انقلاب را در طول تاریخ پشت سر خود گذاشته است و هر آن مترصد است ایده آل خود را به قدرت برساند. حزب ما در این باره باز سخن خواهد گفت.

بر گرفته از توفان شماره 138 شهریور ماه 1390 سپتامبر 2011، ارگان مرکزی حزب کارایران

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.orgنشانی پست الکترونیکی (ایمیل).

toufan@toufan.org